

تجلی رستاخیز در پنج گنج نظامی

زهرا ایرانمنش^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کرمان

چکیده

نظامی، مفهوم معاد را در کنار اصول دیگر اخلاقی و دینی مورد تاکید قرار داده است. او همچون دیگر شاعران، وابسته به نگرش خود به شکلی به مفاهیم دنیوی و اخروی در اشعار خود پرداخته است؛ اما نظامی به مفهوم معاد به شکل وسیع تر و کامل تر پرداخته است. اصل کلام نظامی، پوییدن برای رسیدن به حیات اخروی سعادتمندانه است؛ و معتقد است که نباید به زندگی دنیوی دل بست. او به افقی روشن و دنیایی برتر که همان زندگی اخروی و معاد است، چشم دارد؛ و در کنار آن از حقیقت های دنیای مادی و خوب و بد آن نیز سخن به میان می آورد. نظامی همواره در اشعار خود به این موضوع تاکید دارد که بازگشت آدمی به مبدأ و اصل آفرینش است. او همچنین از هر فرصتی استفاده می کند تا اهمیت معاد و رستاخیز را در اشعار خود متجلی کند. معاد در کنار توحید و عمل صالح، پایه های فکری نظامی را تشکیل می دهند. در تاریخ شعر فارسی، هر یک از شاعران به تناسب نگرش و جهان بینی خود، به گونه ای دنیا و جهان مادی عصر خود را شناخته و به توجیه آن در شعرهایشان پرداخته اند، اما دید نظامی و نگرش و جهان بینی وی، درباره دنیا و آخرت، به طور کلی گسترده تر و کامل تر به نظر می رسد. گسستن از دنیا و تلاش برای دستیابی به حیات اخروی سعادتمندانه، مغز کلام و شعر نظامی است. او هر جا که از دنیای حاضر و اکنون آدمی سخن گفته، به آن دنیا و روز قیامت و مکافات هم اشارتی نموده است و همواره بازگشت آدمیان به اصل و مبدأ آفرینش و معاد جسمانی آنها را متذکر می شود؛ در حقیقت، نظامی نه تنها واقعیت های دنیای مادی را می بیند و از نیک و بد آن سخن می گوید، بلکه فراتر از آن، چشم به دنیایی برتر و افقی روشن تر دارد. در این مقاله سعی شده است تا سیمای معاد در آثار نظامی و به ویژه مخزن الاسرار، بر اساس آیات قرآن و احادیث، تجزیه و تحلیل گردد و ارتباط آن با مقولاتی چون دین، دنیا، مرگ، عدل و مغفرت تبیین شود. در این مقاله سعی شده است تا عقیده و دیدگاه نظامی را درباره ی معاد، و رابطه آن با مفاهیمی چون دنیا و دین براساس پنج گنج او مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و اهمیت آنها را بیان کنیم.

واژه های کلیدی: نظامی، معاد، دین، آخرت، پنج گنج، دنیا

مقدمه

نظامی یکی از شاعران بزرگ قرن ششم است. نظامی از دانش های رایج روزگار خویش، از جمله (علوم ادبی، نجوم، فلسفه، علوم اسلامی، فقه، کلام و زبان عرب) آگاهی گسترده ای داشته و این ویژگی از شعر او به روشنی دانسته می شود. مهم ترین اثر نظامی «پنج گنج» است که تعداد ابیات آنرا تا حدود ۲۰ هزار بیت نوشته اند. و عبارت است از: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر، اسکندر نامه، که تمامی مثنوی ها به سبک عراقی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع معنی و مضامین نو و دل پسند، و در به کار بردن تشبیهات، و استعارات مطبوع و نو مهارت خاصی دارد. معاد در کنار توحید پایه های فکری نظامی را تشکیل می دهد. همه شاعران با توجه به جهان بینی خود درباره معاد به بحث پرداخته اند، اما دیدگاه نظامی درباره معاد و آخرت بسیار کامل تر و گسترده تر از شاعران دیگر به نظر می رسد. تلاش برای رهایی از لذات دنیایی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی مورد توجه وی بوده است. او در هر جایی از سخنش از قیامت سخن به میان آورده است و سختی های آن روز را بیان داشته است و همواره بازگشت آدمی به اصل آفرینش را متذکر می شود.

کلیدواژه های مهم: نظامی، معاد، دنیا، مرگ

عنا و ریشه لغوی معاد:

معاد واژه عربی بر گرفته از «عود» است. معاد در لغت یا مصدر میمی است یا اسم زمان و یا اسم مکان، و بر این اساس در سه معنا آمده است: بازگشت چیزی به جایی، یا به حالی که از آن منتقل شده، زمان بازگشت، مکان بازگشت. باور به (معاد) یکی از اصول اصلی دین اسلام است. معاد در اصطلاح فلسفی به و کلامی، به معنای بازگشت انسان بعد از مرگ به حیات جاودان، برای رسیدگی به اعمال اوست. در قرآن لفظ معاد یک بار و لفظ «میعاد» شش بار در قرآن به کار رفته است. معاد در اصطلاح فرهنگ اسلامی، برگرفته از همان معنای لغوی و مورد فهم مردم است.

دیدگاه اسلام در مورد معاد:

یکی از عقاید مهم مسلمانان اعتقاد به معاد است، و همانطور که گفته شد معاد به معنای بازگرداندن انسان پس از مرگ به زندگی در روز قیامت است. مسلمانان باید به این اصل ایمان داشته باشند و اگر کسی این ایمان را از دست دهد و جهان آخرت را انکار کند، مسلمان نیست. تمام پیامبران الهی پس از اصل توحید، اصل معاد را بیان کرده اند و ایمان به معاد را توصیه نموده اند. بنابر این اصل، همه انسان ها در روز قیامت دوباره زنده می شوند، اعمال آن ها در پیشگاه الهی سنجیده می شود و به پاداش درستکاری یا بدکاری خود می رسند، نیکو کاران به بهشت و نعمت های جاودانی و بدکاران به کیفر و عذاب خود برسند. معاد در دین اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد. اعتقاد به این اصل، نقش مهمی در رفتار مسلمانان و میل آنان به نیکو کاری و دوری از کارهای ناشایست دارد.

در صورتی می توان تصویر صحیحی از معاد و زندگی پس از مرگ داشت که درک درستی از چیستی روح و رابطه آن با بدن داشته باشیم. ما باید بپذیریم که روح، از بدن مستقل است و بعد از متلاشی شدن بدن باقی می ماند. ترکیب انسان از روح و بدن از آن دست ترکیب هایی نیست که با از بین رفتن یک جزء آن جزء دیگر نیز نابود می شود، بلکه روح، بخش اصلی هر انسانی است و تا آن باقی باشد انسانیت انسان و شخصیت شخص، محفوظ خواهد بود. به همین جهت است که عوض شدن سلول های بدن، آسیبی به وحدت شخص نمی رساند؛ زیرا ملاک وحدت حقیقی انسان، همان وحدت روح است. همین امر است که در هنگام مرگ، توسط ملک الموت قبض می شود، در حالی که بدن این انسان، به مرور پوسیده شده و از بین می رود. قرآن کریم با اشاره به این حقیقت در پاسخ منکرین معاد که می گفتند: «چگونه ممکن است انسان بعد از متلاشی شدن

اجزای بدنش حیات جدیدی بیابد؟» می فرماید: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ». (ترجمه: بگو شما نابود نمی شوید بلکه فرشته مرگ شما را می گیرد. [سوره مبارکه سجده - آیه ۱۱].

دلایل ضرورت معاد:

۱. دلیل فطرت: هر انسانی میل به بقا و ماندگاری دارد، خداوند هیچ میلی را در انسان بیهوده نیافریده است؛ زیرا خداوند حکیم است و حکیم کار بیهوده و لغو انجام نمی دهد؛ بنابر این لازم است یک جهانی ابدی وجود داشته باشد تا میل به بقای انسان، در آن برآورده شود. خداوند جهان را به صورتی آفریده که بیشترین خیر و کمال را برای بندگان ایجاد کند. اگر زندگی انسان، منحصر در همین زندگی دنیایی باشد، هدف خداوند از آفرینش انسان و جهان تأمین نمی شود. باتوجه به قطعی بودن حکمت خداوند، حتماً باید جهانی دیگر ورای این دنیای مادی باشد تا حکمت و هدف او از آفرینش تأمین شود. قرآن کریم به خوبی درآیه زیر به این دلیل اشاره دارد.

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبَيْنَ* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ*».

(ترجمه: ما آسمان ها و زمین و آنچه میان آن هاست را به بیهوده نیافریدیم، ما آن ها را جز به حق نیافریدیم.) [سوره دخان آیه ۳۸-۳۹].

۲. دلیل رحمت: خداوند بسیار مهربان و رحیم است، و رحمت او شامل تمام موجودات می شود. شمول رحمت الهی نسبت به بندگان، مستلزم این است که انسان از شکوفا شدن استعداد های خود محروم نشود. بنابراین باید عالم دیگری باشد که هر کس از نتیجه کمالاتی که به دست آورده است برخوردار گردد. در سوره انعام به این مسئله اشاره شده است: «قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْزِيََكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَارِيبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ». (ترجمه: بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است از آن کیست؟ بگو: «از آن خداست» که رحمت را بر خویشتن واجب گردانیده است. یقیناً شما را در روز قیامت که در آن هیچ شکی نیست گرد خواهد آورد. خود باختگان کسانی اند که ایمان نمی آورند.) [سوره انعام آیه ۱۲].

اعتقاد به معاد، از دو جهت در زندگی انسان تأثیر دارد:

۱. زندگی فردی: نحوه ی عملکرد انسان، به تشخیص اهداف شخص از زندگی بستگی دارد. شناخت هدف نهایی زندگی برای دستیابی به سعادت، نقش اساسی را در جهت دادن به فعالیت ها و انتخاب و گزینش کارها دارد. کسی که زندگی را تنها منحصر در زندگی دنیایی می پندارد، تمام تلاش خود را برای رسیدن به لذت های مادی و بهره مندی بیشتر از نعمت های دنیا به کار می بندد. در مقابل، کسی که حقیقت خود را فراتر از پدیده های مادی می داند و مرگ را پایان زندگی نمیداند برنامه زندگیش را به گونه ای طرح و اجرا می کند که هر چه بیشتر و بهتر برای زندگی ابدیش سودمند باشد.

۲. زندگی اجتماعی: تأثیر نگاه انسان به زندگی و اعتقاد به جهانی دیگر، در زندگی اجتماعی و رفتار های متقابل افراد نسبت به یکدیگر تأثیر به سزایی دارد و اعتقاد به حیات اخروی و پاداش و کیفر ابدی، نقش مهمی را در رعایت حقوق دیگران و احساس ایثار نسبت به نیازمندان را بازی می کند. در جامعه ای که چنین اعتقادی زنده باشد برای اجرای قوانین و مقررات عادلانه و جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، کمتر نیاز به اعمال زور و فشار خواهد بود.

دیدگاه قرآن کریم در مورد معاد:

نگاه اجمالی به آیات قرآن کریم نشان می دهد که در میان مباحث عقیدتی هیچ مسئله ای در دین مبین اسلام پس از اصل توحید به اهمیت مسئله معاد و اعتقاد به حیات پس از مرگ و حسابرسی به اعمال بندگان وجود ندارد. نزدیک به یک سوم آیات قرآن کریم در باره ی معاد و زندگی ابدی است: در یک دسته از آیات، لزوم ایمان به آخرت مورد تأکید قرار گرفته؛ در

دسته ی دیگر نتایج انکار آن گوشزد شده؛ و در دسته ی سوم نعمتهای جاودان و عذاب های ابدی آن بیان شده است. اعمال نیک و بد با نتایج اخروی آنها ذکر گردیده و نیز روش های گوناگون امکان و ضرورت معاد مورد تاکید قرار گرفته، و به شبهات منکران نیز پاسخ داد شده است. در قرآن کریم، آیات بسیاری هست که درباره ی معاد، عالم پس از مرگ، و چگونگی زنده شدن مردگان سخن گفته است. و این آیات اهمیت والای معاد را بیان می دارد و در قرآن به کثرت آیاتی را درباره ی معاد مشاهده میکنیم که نشان دهنده ی جایگاه رفیع اعتقاد به معاد، در اسلام است و سعادت آدمی را به دنبال دارد. در بسیاری از آیات قرآن کریم بلافاصله پس از موضوع ایمان به خدا، «ایمان به آخرت» مطرح شده است.

خداوند در برخی از آیات نتایج انکار معاد را بیان کرده است که انکار معاد باعث دچار شدن به عذاب های الهی می شود. همچنین در بسیاری از آیات، ضرورت اعتقاد به معاد را تاکید کرده است و آن را امری دانسته است که حتما اتفاق می افتد و امری قطعی است و تنها خداوند از زمان وقوع و آینده قیامت مطلع است: «قُلْ عَلِمُهَا عِنْدَ رَبِّي» (سوره مبارکه اعراف آیه / ۱۸۷). هدف از آفرینش انسان، عبادت خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است اگر سرای آخرت نمی بود آفرینش انسان باطل می گشت. خداوند سبحان، موجودات را بی هدف نیافریده است همانگونه که در سوره ی مومنون آیه ۱۱۵ به همین مطلب اشاره شده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ (آیا می پندارید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما به نزد ما بازگردانده نمی شوید؟).

قرآن کریم ظهور قیامت را با حوادثی همچون خشک شدن دریاها، متلاشی شدن کوه ها، بی نور شدن خورشید، پیدایش لرزهها، و.... دانسته است. در آن هنگام تمام عالم نابود می شود و این عالم به جهان دیگری تبدیل می شود.

مروری بر آثار نظامی

نظامی در هفتاد الی هشتاد سال عمر خود (۵۳۰-۶۱۴) آثار پر بار و متعددی را به وجود آورده است. از این منظر یکی از چیره دستان دنیای ادبیات فارسی می باشد. «مثنوی مخزن الاسرار»، نخستین سروده های آئینه غیب نظامی گنجوی می باشد. این مثنوی در بحر سریع مطوی موقوف بر وزن «مفتعلن، مفتعلن، فاعلان» یا مطوی مکشوف از اصل مستفعلن، مستفعلن، مفعولات بر وزن «مفتعلن، مفتعلن، فاعلان» سروده شده است. مخزن الاسرار چهل مقاله است که بیست و یک مقاله آن خردنامه و در حکمت عملی نظم یافته است (ثروتیان، ۱۳۸۲: ۵۵).

مثنوی خسرو و شیرین، یکی دیگر از آثار نظامی گنجوی است که فضای عاشقانه و ارتباط زن در لابلای آن به کرات بحث می شود. در این مثنوی بیشتر، می شود، نگاه نظامی را در رابطه با معاد دریافت. در داستان خسرو و شاهزاده ایرانی از راه گوش، عاشق شیرین، شاهزاده ارمنی در ارمنستان ایران می شود! شاپور نقاش را برای فریفتن شیرین می فرستد؛ شاپور در ماموریت پیروز می گردد. مثنوی خسرو و شیرین داستان عشق خسرو، شاهزاده ایرانی با شیرین شاهزاده ارمنی است که در بحر هزج مسدس مقصور (مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیل) یا محذوف (مفاعیلن، مفاعیلن، فاعولن) سروده شده است (همان، ۹۱).

لیلی و مجنون اثر دیگری از نظامی گنجوی می باشد. در این اثر داستانی است در رابطه با امکان ارتباط بین انسان و معاد که از عناصر تشکیل دهنده زندگی است. در اصل داستان لیلی و مجنون به زبان تازی (عربی) بوده است که ملک اخستان پسر منوچهر از پادشاهان ایرانی شروان از نظامی گنجهای می خواهد آن نامه را به زبان فارسی متداول قرن ششم که با لغات و ترکیبات عربی آمیخته شده و به آن وسعت و زیبایی خاصی بخشیده است، بسراید. لیلی و مجنون را در سال ۵۸۴ هجری بر وزن مسدس اخرب مقبوض محذوف (مفعول، مفاعلن، مفعولن) یا مقصور (مفعول، مفاعلن، مفاعیل) سروده شده است (همان، ۱۶۷).

نظامی در ادامه خلق آثارش به یکی از پادشاهان ایرانی به نام بهرام گور نظر دارد، پادشاهی که در پادشاهی او هم چون و چرا هست، کودتایی که علیه او می شود، انزوای او، و برداشتن تاج از میان شیران و ریشه بر احقاق حقوق پادشاهی خود دارد. در هفت پیکر، بهرام را رو در روی هفت زن او که هر یک به جهان و دنیا و مملکتی تعلق دارند قرار می دهد. بعضی آن را شاهکار نظامی می دانند «هفت پیکر» را می شود، شاهکار به شمار آورد. گوستاو فن گرون باوم شرق شناس آلمانی - آمریکایی این

منظومه را چنین توصیف می کند، «یکی از تکامل یافته ترین آثار ادبی جهان است. نظامی از لحاظ هماهنگی گفتار، اندیشه، تصویرپردازی و فضا آفرینی بی مانند است.» (براتی، ۱۳۸۹: ۵۶).

مثنوی هفت پیکر در سال (۵۹۳) هجری به نام کرپه ارسلان، پادشاه احمديلی روبین (مراغه، میاندوآب و شاهین دژ) سروده شده است. این مثنوی یکی از شاهکارهای ادبی زبان فارسی است که به درخواست زن کرپه ارسلان در بحر خفیف مسدس مخبون اصلم مسبغ (فاعلاتن، مفاعلن، فعلاّن) و یا مخبون محذوف (فاعلاتن، مفاعلن، فعلاّن) به رشته نظم درآمده است. (ثروتیان، ۱۳۸۷: ۲۰۵) معمول کار و اثر نظامی به اصطلاح بزم نامه بوده است، بیشتر از دورن شادگذرانی، قوانین حاکم بر آن و رسیدن یا وصل شدن آنان با هم است که خود می تواند مبنای نگرش معاد نگری باشد. اما نظامی در اسکندرنامه گذر و سیری می کند به عالم رزم جهان خود، و البته به نوعی جهان دیگری از نگرش، اسکندرنامه را در دو بخش می سراید: اسکندرنامه و اقبالنامه.

نظامی با این پنج اثر خود که به پنج گنج یا همان خمسه نظامی مشهور شده است. جهان پرباری را به ادبیات فارسی و فرهنگ انسانی اضافه می کند.

زیربنای فکر نظامی

زیربنای فکر نظامی، آزادی و آزاد اندیشی است. او معتقد است که باید با تمام وجود اعتقادی راستین داشت و در پی آن تمام هستی خود را رهین کرد. او به نیکی ها و پرهیز از زشتی، پای بند است شیوه اش در شاعری نیز متفاوت و ارزشمند است. وی بسیار عزلت جو است و این خصیصه وی را باریک اندیش و باریک نگر کرده است. او دائم در حال آشنازدایی است و این سبب شده نکته ای از چشمان تیزبینش پنهان نماند. وی به خوبی تصاویر را کشف می کند و به آن رنگ زندگی می بخشد. جهان بینی نظامی، دارای فلسفه ای است که با ترک دنیا و دنیا گریزی که ماهیتی صوفیانه دارد، در تضاد است. او اندیشمندی است که زندگی و جهان مادی را، با همه زیبایی هایش درک می کند و دوست دارد، انسان ها همه غنی و بی غم و اندوه باشند. او مخالف هرگونه بی اعتنائی به جهان و زندگی این جهانی است و بهره وری از نعمت های جهان را لازم می شمارد. او به عنوان یک شاعر انسان دوست و ظلم ستیز مردم را به مبارزه علیه ظالم و ستمگری فرا می خواند. سرودن ابیاتی علیه طرفداران زر و زور در روزگاری که پادشاه، سایه خداست، سخت جسارت آمیز، می نماید و تنها نشانه ی حس مسئولیت و ظلم ستیزی این حکیم فرزانه است (براتی، ۱۳۸۹: ۳۰).

تجلی رستاخیز در پنج گنج نظامی

بر اساس آموزه های دینی، «جهان آفرینش، هدفمند و بر اساس حق پرستی پی ریزی شده است» (دخان/۳۹) و «از هر گونه لهو و لعب و بازیچه بودن به دور می باشد». (دخان/۳۸) قرآن کریم صاحبان اندیشه را کسانی می داند که با اندیشیدن در آفرینش، ساحت آن را از هر گونه باطلی منزّه می دانند» (آل عمران/ ۱۹۰). در واقع تفکر در اسرار آفرینش، به انسان آگاهی های ویژه ای می دهد که از آن جمله «توجه به بیهوده نبودن خلقن است؛ زیرا وقتی که در هر موجود کوچکی از این جهان بزرگ، هدفی دیده می شود، چگونه ممکن است که مجموعه ی جهان بی هدف باشد؟ به عبارت دیگر، وقتی همه ی اجزای آفرینش، هدف خاصی را دنبال می کنند و به تعبیر نظامی:

در پرده ی مملکت به کاری است

هر ذره که هست اگر غباری است

چگونه می توان مجموعه ی آن را بی هدف و سرگردان دانست؟

همان گرد گردیدن ماه و مهر

خرامی دن لاجوردی سپهر

سرا پرده ای این چنین سرسریست

مپنّدار کز بهر بازیگریست

سر رشته بر ما پدیدار نیست

در این پرده یک رشته بیکار نیست

نه زین رشته سر می توان یافتن نه سر رشته را می توان یافتن
(نظامی، ۱۳۸۱: ۱۹۷ و ۱۹۸)

در این حرکت دَوَرانی خورشید و ماه، هر عضوی از دستگاه دارای وظیفه و راز و کاری است. منتها دریچه ی این راز و کار، به روی ما باز نیست و فقط باید گفت ما بیهوده و سرسیری آفریده نشده ایم. وجود جهانی دیگر بنام معاد و رستاخیز، بزرگترین هدفی است که آفرینش آن را تعقیب می کند.

اگر معتقد باشیم که ورای این عالم عالم دیگری نیست و خداوند تا بی نهایت فقط موجودات را می آفریند و با معدوم کردن آنها، دوباره به خلق موجودات جدید می پردازد و پیوسته این عمل را تکرار می نماید، آن گاه می یابد کار خداوند را عبث و بیهوده بینداریم و این درحالی است که بیهودگی و کار عبث بر خداوند محال است. این طور نیست که یک مجموعه ی با عظمت از جمادات و نباتات و جانداران، بدون پیروی از قانون و بدون یک مشیت والا و حکمت عالیّه بوجود آمده و بدون اینکه قابل کمترین تفسیر و توجیهی باشند معدوم گردند و از بین بروند. عمل پروردگار همواره حقاقت و غرض صحیحی را به دنبال دارد و باید به این نکته اذعان داشته باشیم که در ماورای این عالم، جهان دیگری هست باقی و دائمی که تمامی موجودات بدانجا منتقل می شوند و آنچه در این دنیای فانی ناپایدار هست، مقدمه ای است بای انتقال به آن عالم و زندگی جاوید اخروی. نظامی بر همین اساس در مخزن الاسرار (ابیات ۲۹ تا ۵۴) نظم و زیبایی باشکوه جهان هستی را در حد اعلا توصیف می کند. در شرفنامه نیز می گوید:

جهانی بدین خوبی آراستی	برون زانکه یاریگری خواستی
ز گرمی و سردی و از خشک و تر	سرشتی به اندازه ی یکدگر
چنان بر کشیدی و بستی نگار	که به زان نیارد خرد در شمار

(همان: ۳)

وی با توجه به حقانیت جهان هستی و دوری آفرینش از هر گونه بیهودگی و «هزل»، چنین گفته است:

حرفی به غلط رها نکردی	یک نکته در او خطا نکردی
در عالم عالم آفریدن	به زین نتوان رقم کشیدن

(نظامی، ۱۳۶، ج ۳: ۴۰۲)

این هفت حصار برکشیده	بر هزل نباشد آفریده
وین هفت رواق زیر پرده	آخر به گزاف نیست کرده
کار من و تو بدین درازی	کوتاه کنم که نیست بازی

(همان: ۱۷)

نظامی با بهره گیری از آموزه های وحیانی، وجود هر گونه لهو و لعب را در امر آفرینش مردود می داند و به طور کلی تصریح می کند که در این پهنه بیکران هستی، هیچ صدا، حرکت و سکونی را بی معنا و بی کار تلقی مکن؛ هر ذره ای را که می بینی و هر کهکشانی را مشاهده می کنی از محقرترین جاندار تا کمال یافته ترین انسان، در این پرده ی جلال و جمال مشغول کاری است، اگر چه ممکن است از وضع خود یا دیگری آگاهی و اطلاعی نداشته باشند.

او در چند مناجان بسیار جالب، رسا و پر منا و از آن جمله در دیباچه ی لیلی و مجنون (۱۲ بیت برهان آفرینش) به توصیف عظمت کارگاه هستی پرداخته است. به عقیده ی او آسمانها و کرات فضایی و قانونمندی آنها با شکوه و جلالی که از پشت پرده بر آنها می تابد، بیهوده و گزافه نبوده و انسان با توجه به اشراف و احاطه ی وجودی که بر عالم هستی دارد، می بایست بیهوده نبودن این جهان با عظمت و معنا دار را تصدیق کند.

نظامی همواره با شیوه های مختلفی از جمله طرح جملات پرسشی و نیز با بیان فصیح ترین و زیبا ترین و در عین حال قاطعانه ترین جملات شعری، توجه مخاطب را بر می انگیزد و او را به تأمل و تفکر در هستی و سرانجام آن، وا می دارد:

دیبایچه‌ی ما که در نورد است	نیز بهر هوا و خواب و خورد است
از خواب و خورش به ار بتابی	کاین در همه گاو و خر بیابی
زان مایه که طبعها سرشتند	ما را ورق‌ی دگر نوشتند
تا در نگریم و راز جویم	سر رشته‌ی کار باز جویم
بینیم زمین و آسمان را	جویم یکایک این و آن را
کاین کار و کیایی از پی کیست؟	او کیست کیای کار او کیست؟

(همان: ۱۷)

«دین»، «دنیا» و «آخرت» در کلام نظامی بازتاب فراوانی داشته و او نشان داده است که همواره به مقدسات و دیدگاه قرآنی و بینش رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) وفادار است. اندیشه‌ی معاد و سرانجام آدمی از مهم ترین دغدغه های نظامی است که نه تنها در مخزن الأسرار بلکه در اثری چون خسرو و شیرین نیز او را آسوده نگذاشته است و در بخش سؤالات خسرو از بزرگمهر، این دل مشغولی را چنین می سراید:

دگر ره گفت ما اینجا چرایییم؟	کجا خواهیم رفتن وز کجایییم؟
جوابش داد و گفت: از پرده این راز	نگردد کشف هم با پرده می ساز
که ره دور است از این منزل که ماییم	ندیده راه منزل چون نمایییم؟
چو زمین ره بستگان یابی رهایی	بدانی خود که چونی وز کجایی

(نظامی، ۱۳۸۶: ۴۰۱)

در اقبال نامه چنین می گوید:

جهانی چنین خوب و خرم سرشت	حوالت چرا شد بقا بر بهشت:
---------------------------	---------------------------

(نظامی، ۱۳۷۸: ۵)

نظامی این حقیقت را پذیرفته است که آدمی، آفریننده ای دارد و باید روزی به اصل و منتهای امید خود برسد: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون ۱۱۵) مرگ و آخرت اندیشی نظامی مؤید همین آیه است:

روز بیاید کوه روارو زنند	سکه‌ی ما بر درمی نو زنند
تازه کنند این گل پرکنده را	باز هم آرند پراکنده را
ای که ز امروز نه ای شرمسار	آخر از آن روز دگر شرم دار

(نظامی، ۱۳۶۳: ۱۱۹)

روز آخرت و روز پاداش و حساب، روزی که گل پرپر شده‌ی وجود آدمی، باز مجموع می شود و در حقیقت، معاد جسمانی بشر روی می دهد «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»

(یونس/۴) نظامی به روز رستاخیز و دنیای دیگر اعتقاد دارد و برای اینکه آدمی را متوجه دنیای دیگر کند، چهره‌ی ناپسند و ناپایدار جهان را در شعرش تصویر می کند و بارها این مسأله را به مخاطب گوشزد می کند که آنچه را دنیا به عنوان نعمت و

آسایش در اختیار انسان قرار می دهد، سرانجام روزی برای او نعمت و عذاب خواهد شد. این دنیا ده ویرانی بیش نیست و باید از دوستی آن پرهیز کرد؛ دنیا منزل جاویدان آدمی نیست:

کنج امان نیست در این خاکدان	مغز وفا نیست در این استخوان
نیست یکی ذره جهان نازکش	پای ز انبازی او باز کش...
خط به جهان درکش و بی غم بزی	دور شو از دور و مسلم بزی
راه تو دور آمد و منزل دراز	برگ ره و توشه ی منزل بساز...
هر که در این بادیه با طبع ساخت	چون جگر افتد و چو زهره گداخت...
چون که سوی خاک بود بازگشت	بر سر این خاک چه باید گذشت
زیر کف پای کسی را مسای	کو چو تو سوده ست بسی زیر پای

(همان: ۱۲۸ و ۱۲۹)

چنانچه گفته شد، دید نظامی و نگرش و جهان بینی این حمیم شاعر، درباره ی دنیا و آخرت، نسبت به شاعران دیگر به طور کلی گسترده و شاید کامل تر و بهتر باشد؛ به بیان دیگر، نظامی نه تنها واقعیت‌های دنیای مادی را می بیند و از نیک و بد آن سخن می گوید، بلکه به دنیایی برتر و افقی روشن تر نیز نظر دارد.

مطلب بسیار مهم و اساسی که کتب آسمانی ما را بدان توجه داده اند و در اشعار نظامی نیز بازتاب فراوان داشته، پیوستگی زندگی دنیا و آخرت است. این دو حیات از یکدیگر جدا نیست؛ انسان بذر حیات اخروی خود را در این دنیا می کارد و سرنوشت خویشتن در جهان دیگر را در همین حیات دنیوی رقم می زند. ایمان و اعتقادات پاک و درست، اعمال صالحی که در جهت تکامل فرد و جامعه صورت می گیرد، خلق و خوی درست و انسانی و منزّه از حسادت‌ها، مکرها و کینه ها، خدمات و اخلاص افراد و امثال آن برای انسان، حیات سعادت‌مندانه و جاوید را به ارمغان می آورد و در مقابل، بی ایمانی و بی اعتقادی، اعمال و اخلاق پلید نظیر خودخواهی، ظلم، ریاکاری، دروغ، تهمت، خینت، غیبت، فتنه انگیزی، امتناع از عبادت و پرستش خالق و ... حیاتی بسیار شقاوت آلود در جهان آخرت را به دنبال دارد. همان طور که رسول خدا فرمودند: «الدنيا مزرعة ی الاخره ی» (عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۶۷) محال است که انسان، در دنیا اندیشه و کردار بد داشته باشد و در آخرت سود بگیرد. نظامی نیز می گوید در جهان آخرت، صورت نیک و بد، بی ارزش است و باطن نیک و بد را به حساب می آورند و هر خوی فرشته وار یا دیو گونه را با خود ببری، همان نام را به تو خواهند گذاشت و در حشر به صورت عمل خود در خواهی آمد؛ چنان که گل خارپوش را خار می نامند نه گل عنبر فروش را عنبر نام می نهند:

هر چه کنی عالم کافر ستیز	بر تو نویسد به قلم های تیز...
صورت اگر نیک و اگر بد ببری	نام تو آن است که با خود ببری
خار بود نام گل خارپوش	عنبر نام آمده عنبر فروش
قلب مشو تا نشوی وقت کار	هم ز خود و هم ز خدا شرمسار

(همان: ۱۷۰)

نظامی در مخزن الاسرار به آدمیان نشان می دهد که شیوه و راه بهتر زیستن در میان تغییرات و دگرگونی های هستی چگونه است؛ چرا که دنیا همواره در حال تغییر و در گردش است و آدمی خود باید بداند که چه کار بکند. او به درستی دانسته است که (حبّ الدنيا راس کل خطیئة) (نهج الفصاحه، ص ۲۸۳، ۱۳۴۲)؛ پس برای جلوگیری از فساد روح و رهایی از زندان تن و جسم باید:

برپرا از این گنبد دولا ب رنگ	تا رهی از گردش پرگار تنگ...
چون به از این مایه بدست آوری	بد بود این جا که نشست آوری

پشته ی این گل چو وفا دار نیست
 هر علمای جای صد افکندگیست
 روی بدو مصلحت کار نیست
 هر کمر آلوده ی صد بندگی است...
 خانه ی پر عیب شد این کارگاه
 خود نکنی هیچ به عیبش نگاه
 (همان، ۱۲۴ و ۱۲۵)

معاد و پیوند آن به مرگ در اسکندر نامه

با توجه به آیات الهی همه پدیده های هستی، از ذرات معلق در هوا گرفته تا آدمی، هدفمند و بر اساس نظم و برنامه خاصی که از پیش تعیین شده است آفرینش یافته اند و خلقت پدیده ها و جهان هستی به دور از لهو و بازیچه است « وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعِينَ » (دخان / ۳۸).

بزرگترین هدفی که فلسفه ی آفرینش آن را تعقیب می کند اثبات وجود جهانی دیگر به نام آخرت و اعتقاد به رستاخیز است. در آن سوی دنیای ناپایدار عالمی جاوید و همیشگی است که همه ی موجودات پس از مرگ به آنجا انتقال می یابند. دنیا و تعلقات مادی آنف مقدمه ی ای است برای آن جهان و بهره مندی زندگی اخروی و جاوید. « فَإِنَّ الدُّنْيَا بِلَاغٍ إِلَى آخِرَةٍ » دنیا وسیله ی رسیدن به آخرت است. (پاینده، ۱۳۶:۵۶).

نظامی نیز در شرف نامه درباره نظم حاکم بر جهان و زیبایی های توصیف ناپذیر هستی می گوید:

جهانی بدین خوبی آراستی
 برون زان که یاریگری خواستی
 ز گرمی و سدی و از خشک و تر
 سرشستی به اندازه ی یکدگر
 جهان برکشیدی و بسستی نگار
 که به زان نیارد خرد در شمار
 (نظامی، ۱۳۷۸: ۳)

نظامی به پیروی از آموزه های قرآنی معتقد است انسان نه برای دلخوشی و بهره مندی از لذایا دنیوی، بلکه برای سختی کشیدن و رنج بردن پا به جهان نهاده است « لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ » (بلد / ۴). وی که نگاهی رنج آلود به دنیا و زرق و برق آن دارد تنها راه رسیدن به آرامش حقیقی و کمال را در گرو تحمل سختی و مصایب روزگار می داند و معتقد است آدمی در کره خاکی لحظه ای آرامش و قرار ندارد و چنین مکانی شایسته دل بستن نیست:

اگر زیرکی، با گلی خو مگیر
 که باشد به جا ماندنش ناگزیر
 درین دم که داری، به شادی بسیج
 که آینده رفته هیچ است، هیچ
 نه ایام آمده از پی دلخوشی
 مگر کز پی رنج و سختی کشی
 خزان را کسی در عروسی نخواند
 مگر وقت آن کاب و هیزم نماند
 (نظامی، ۱۳۷۸: ۲۰۷ و ۲۰۸)

او در اقبال نامه برای تشریح معاد جسمانی خاک زمین را به شعبده بازی مانند کرده است که مهره های وجود را در دستش پنهان کرده و با ارائه حرکات محیر العقول از دهان خود بیرون می آورد همان گونه که در فصل خزان از برگ درختان، زرنیخ زرد و از چوب درختان، عود خشک را فرو برده و هنگام بهار از سبزه های نو، نیل و لاجورد و نافه های خوشبو از دهان بیرون می آورد:

مشعبد شد این خاک نیرنگ ساز
 که هم مهر دزد است و هم مهره باز
 گُند مهره ای را به کف در نهان
 دگر باره آرد برون از دهان
 فرو بردنش هست زرنیخ زرد
 برآوردنش نیل بالا آورد

به وقت خزان می خورد عود خشک به فصل بهار آورد نواف مشک

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۳)

«مَثَل» در لغت به معنی همانند، همتا و مثل است. این کلمه عربی را در فارسی گاهی به داستان و نمودن ترجمه کرده اند. (پور نامداریان، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

تمثیل عبارت است از ارائه دادن یک موضوع، تحت صورت ظاهر موضوع دیگر. این اصطلاح به عنوان یک طرز و شیوه ادبی عبارت است از بیان یک عقیده با یک موضوع نه از طریق بیان مستقیم بلکه در لباس و هیئت یک حکایت ساختگی که با موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس قابل مقایسه و تطبیق باشد.

(همان: ۱۴۳)

در علم بلاغت تمثیل، تصویر یا مجازی تلقی می شود که گوینده به وسیله ی آن چیزی می گوید اما مقصودش چیز دیگری است.

به همین علت علمای بلاغت در دوره کلاسیک و قرون وسطی و رنسانس حتی طنز را نیز از نمونه های تمثیل تعریف کرده اند. هم در استعاره و هم در تمثیل شباهتی ضمنی تلویحاً فهمیده می شود؛ اما در تمثیل شباهت ضمنی ادامه و گسترش می یابد. (همان: ۱۴۳)

تمثیل به طور کلی حکایت یا داستان کوتاه یا بلندی است که فکر یا پیامی اخلاقی، عرفانی، دینی، اجتماعی و سیاسی یا جز آن را بیان می کند. اگر این پیام به عنوان نتیجه ی منطقی حکایت در کلام آشکار باشد و یا به صراحت ذکر شود، آن را (مَثَل) یا (تمثیل) می گوئیم و اگر این پیام در حکایت به کلی پنهان باشد و کشف آن احتیاج به فعالیت اندیشه و تخیل و تفسی داشته باشد آن را تمثیل رمزی می نامیم. (همان: ۱۴۷)

عبدالقادر جرجانی در فایده تمثیل می گوید: چون از یک چیز محسوس به چیزی که عقل آن را دریابد مَثَل بیاوری، حکم کسی را داری که غریب بیگانه به آشنا و از یار تازه به دوستی دیرین پناه می برد و در این حالت، تو آنگاه که شاعر با غیر شاعری، یک معنی را بدون مشتشل برای تو القا کند و پس از آن، مَثَل مربوط بدان را بیاورد حکم کسی را داری که چیزی از پشت پرده برایش نشان داده و معرفی شود آنگاه پرده از آن برداشته و گفته می شود. (جرجانی، ۱۳۸۹: ۹۰).

نظامی برای اثبات معاد از تمثیل بهره جسته است. وی می گوید: سرگذشت کالبد آدمی نیز بسان گیاه و درختان است. به دیگر سخن پیکر عنصری انسان که در خاک آکنده شد، نیست و نابود نمی شود بلکه اجزای آن از هم پراکنده شده و بار دیگر به امر الهی آن اجزا برانگیخته و در هم جمع می شود.

نظامی با الهام از آیات قرآن (یس / ۷۹ و قیامت / ۳ و ۴ و عادیات / ۹ و یس / ۵۱) و نهج البلاغه (خ ۸۰ و ۱۰۵ و ۱۷۸) گواهی می دهد حیات مجدد انسان با بدن طبیعی و عنصری محقق خواهد شد

تن آدمی را که خواهد فشرد	ندانم که چون باز خواهد سپرد؟
تن ما که در خاکش آگندگیست	نه در نیستی، در پراگندگیست
پراکنده ای کو بود جایگیر	گر آید فراهم، بود دلپذیر
چو هرچه آن بود بر زمین ریخته	دگر باره گردد برانگیخته

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

و در تمثیل دیگری با بهره گیری از صنعت کیمیاگری به اثبات معاد جسمانی می پردازد. نظامی جسم خاکی انسان را که با فرا رسیدن مرگ از هم پراکنده شده، به زر سوده تشبیه کرده است. در فن زرگری سیماب جذاب و شیفته زر است و زرگران براده های زر را که بر سطح زمین پراکنده شده باشد، به وسیله ی سیماب گرد می آورند. وی معتقد است جسم زر گونه انسان که با یک پیک اجل در هم نوردیده و به خاک سپرده شد به امر سیماب سان الهی برانگیخته و جمع خواهد شد:

زر سوده را گر بود ریز ریز	به سیماب جمع آورد خاک بیز
چو زر پراکنده چاره ساز	به سیماب دیگر ره آرد فرار
گر اجزای ما را که بودش روان	دگر باره جمع می بود، می توان

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

او در بخش موسوم به « در ستایش یزدان » شرفنامه می گوید: اگر زیارت کننده قبر من، پس از مرگ و فروپاشی جسم عنصری، تهمت نیستی بر من زند، از پروردگارم می خواهم- گرچه از نظرها غایب شده ام- برای اثبات حیات پس از مرگم، نمونه ای از زندگی مرا از عالم غیب به پژوهنده احوال نشان بدهد تا دریابد که در سرای آخرت من زنده ام. نظامی با الهام از آیه « إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ » (یس/۵۳) با این نکته می پردازد که پس از مرگ، زندگی وجود دارد زیرا خداوند در آیه ی یاد شده فرموده است « آنان نزد ما حاضر شده اند » اگر جدایی روح از بدن، عدم می بود برای روح مردگان واژه « حاضر » به کار برده نمی شد.

امیدم چنان است زان بارگاه	که چون من شوم دور از این کارگاه
فرو ریزم از نظم و ترتیب خویش	دگر گونه گردم ز ترکیب خویش
کنند باد پرکنده خاک مرا	نبیند کسی جان پاک مرا
پژوهنده حال سربست من	نهاد تهمت نیست بر هست من
زغیب آن نمودارش آری به دست	کزین غایب آگاه باشد که هست.

(نظامی، ۱۳۷۸: ۸)

اثبات معاد در اسکند نامه

نظامی که اعتقاد خود را از زبان اسکندر بیان می کند، در پاسخ به سؤال « ضرورت وجود عالم دیگر » از سوی حکیم هندو، به اثبات معاد به رستاخیز می پردازد.

او در ضمن بیان برخی از صفات الهی، مسائلی چون نامیرایی روح، بازگشت آدمی به اصل خود، تفاوت خواب و خیال و دیگر عقاید فلسفی را تشریح می کند که هر یک از آن ها مبنای قرآنی و حدیثی داشته و با اندیشه های عرفانی و تعلیمات اسلامی پیوند دیرینه دارد.

وی با تأسی از آیه ی استرجاع «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶ و آل عمران ۲۸) معتقد است انسان از آغاز آفرینش سفری را شروع نموده و این سفر در سرایی دیگر به پایان می رسد. او متعلق به عالم علوی است از این رو سفرش به این دنیا ختم نمی شود. روزی باید دنیا و تعیناتش را واگذارد و به جایگاه اصلی خویش باز گردد. اسکندر در پاسخ به این سؤال حکیم هند « که: جان چیست در پیکر جان پذیر؟ » و (عالم جان، کره آتش و اثیر است و هر کالبدی قسمتی از آن آتش را در خود دارد و فرو ماندن جان همان خاموش شدن آتش است بنابراین جان نابود می شود، » می گوید: جان در عالم جسم همچون مسافری است که از جانب خداوند به این دنیا رهسپار شده و دوباره به سوی او باز می گردد:

نخواندی که جان چون سفر بازگشت از آن کس که آمد، بدو بازگشت؟

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

در ادامه، این ادعا را که هنگام مرگ فروماندن جان در بدن همانند فرو ماندن شعله چراغ است و با فرا رسیدن اجل، جان نیست و نابود می شود. بی اساس دانسته و معتقد است جانی که از عالم علوی به عالم سفلی گراییده، نابود نمی شود بلکه به جای اصل خود (عالم معنا) بر می گردد.

نظامی با بیان تفاوت معنایی دو اصطلاح «جان سپردن» و «جان دادن» مفهوم آیه ی استرجاع را در سخنش به زیبایی متجلی می سازد:

غلط گفته ای، جان علوی گرای	نمیرد ولیکن شود باز جای
حکایت ز شخصی که او جان سپرد	چه می گویند؟ جان داد یا جان بمرد؟
بگویند: جان داد و این نیست زرق	ز داده بُود تا فرو مرده فرق

(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۱۴ و ۱۱۵)

آثار معاد در مخزن الاسرار

دشمن جانست تو را روزگار خویشتن از دوستیش وا گذار

نظامی در این بیت به نکوهش دلبستگی به دنیا پرداخته است و دنیا را دشمن انسان از آن جهت می داند که باعث غفلت آدمی از آخرت شده و به نوعی نظامی خواسته است انسان را برای استقبال و آمادگی روبه رو شدن با زندگی پس از مرگ را داشته باشد که می تواند این اندیشه نظامی که در این بیت جلوه گر شده به آیه (فلا تغزنکم الحیاه الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور... پس مبدا زندگی دنیا شما را بفریبد). دلبستگی به زندگی دنیا فریب اساسی است که انسان را از آخرت غافل می کند. (آیه ۵ سوره فاطر)

(نظامی. مخزن الاسرار. مقالات ۱۹. در استقبال از آخرت)

صبح شـباهنگ قیامت دمید	شد علم صبح روان ناپدید
خنده غفلت به دهان در شکست	آرزوی غم به جهان در شکست
از کف این خاک به افسو نگری	چاره آن ساز که جان چون بری
بر پر از این دام که خونخواره ایست	زیرکی از بهر چنین چاره ایست

نظامی در اینجا دنیا را افسوگر و جادوگر دانسته و به انسان هشدار می دهد که آگاه باشد و از زیرکی خود استفاده کند تا اسیر جادو و فریب دلبستگی به دنیا نشود و همچنین در تمثیلی زیبا چهره واقعی و تلخ دنیا را مثل خوانخواره تشبیه کرده که افراد و انسان های زیادی را اسیر خود ساخته است و از انسان خواسته است که زیرک باشد و فریب دنیا را نخورد حکیم نظامی با تاکید بر هشدار های پیاپی به انسان نسبت به آگاهی در زندگی دنیایی خواسته او را برای زندگی در آخرت و سعادت مندی اخروی آگاه سازد

(و ما هذه الحیاه الدنیا الا لهو ولعب و ان الدار الاخره لهی الحیوان لوکانوا یعلمون... این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است. ای کاش می دانستند. عنکبوت آیه ۶۴)

(نظامی. مخزن الاسرار. مقالات ۲۰. در وقاحت ابنای عصر)

هر که در این خانه شبی داد کرد خانه فردای خود آباد کرد

حکیم نظامی در اینجا به عدل و معاد به همراه هم اشاره کرده است و عدالت را سرمایه و توشه خوشبختی در آخرت می داند. عدالت یکی از دلایل فلسفی اثبات معاد است و جز جدایی ناپذیر معاد می باشد چرا که که پا داش و جزای کارهای نیک و بد انچنان که شایسته است نمی شود در دنیا ان را داد بلکه در دنیایی دیگر که دنیای پس از مرگ است و از ان به معاد یاد می شود (و ما تنفقوا من خیر یوف الیکم وانتم لا تظلمون... جز برای رضای خدا انفاق نکنید و آنچه از خوبی ها انفاق می کنید به شما داده می شود و به شما ستم نخواهد شد). ایه ۲۷۲ بقره

نظامی این تفکر و دیدگاه را بخوبی درک کرده است که یک نمونه از این دیدگاه در این بیت به خوبی جلوه گر شده است و توصیه به عدالت ورزی در زندگی دنیا کرده است تا روزی در سرای آخرت سعادت مندی و خوشبختی نصیبش شود. در این بیت پیام های زیادی نهفته است که نظامی یک نونه در باب روابط پادشاهان با رعایا این توصیه را کرده پادشاهان همیشه با مردم با عدالت رفتار نمایند تا خداوند در آخرت پاداش نیک دهدشان.

(نظامی. خمسه. مخزن الاسرار. مقاله ۴. در رعایت از رعیت)

دولت یان کباب درم یافتند	دولت باقی ز کرم یافتند
تخم کرم کشت سلامت بود	چون برسد برگ قیامت بود

در این دوبیت نظامی گفته است که پایداری و ماندگاری حکومت پادشاهان بخشش و عدالت ورزی شان بوده است همچنین این گونه بیان داشته است که عدالت ورزی باعث سلامتی همگان است و نام قیامت در این سروده به خوبی به اتصال عدالت و نیک بختی اخروی اشاره دارد مطمئناً حکیم نظامی رابطه ی عدل الهی و معاد روز قیامت را درک نموده چرا که لازمه ی قیامت وجود فلسفه ی عدالت است.

(نظامی. خمسه. مخزن الاسرار. داستان ملک زاده جوان با دشمنان پیر)

روز قیامت ز من این ترک تاز	باز بپرسند و بپرسند باز
شرم زدم چون ننشینم خجل	سنگ دلم چون نشوم تنگدل
بنگر تا چند ملامت برم	کاین خجلی را تا به قیامت برم
عاقبتی نیک سرانجام یافت	هر که در عدل زد این نام یافت

در این ابیات سروده شده نظامی از عدالت سخن به میان آورده است و گفته است که اگر کسی مرتکب خطا و گناه شود شرمنده و عاقبت سختی در قیامت خواهد داشت و برعکس کسانی که در زندگی با عدالت زندگی به سر می برند روز قیامت خوشبخت و سعادتمند هستند که به وضوح ب دنیای پس از مرگ اشاره کرده است ممکن است بپرسید چطور و چگونه؟

در پاسخ باید گفت که خیلی از کارهای خوب قابل تقدیر در این دنیا نیست و پاداش حقیقی آن که مستحق حقیقی مطابق با عمل است توسط خدا در معاد روز قیامت داده خواهد شد و برعکس جزای بدی و بی عدالتی در دنیا ممکن است آن طور که شایسته است نشود که داد بلکه در قیامت کیفر حقیقی آن داده خواهد شد خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره هر کس ذره ای خوبی کند پاداش نیک ان را می بیند)

ومن يعمل مثقال ذره شرا یره هر کس ذره ای بد کند جزا و کیفر ان را می بیند) سوره زلزال آیه ۷

(نظامی. خمسه. مخزن الاسرار. حکایت نوشیروان با وزیر خود)

آثار معاد خردنامه

آنکه تو را توشه ره می دهد	از تو یکی خواهد و ده می دهد
---------------------------	-----------------------------

نظامی در اینجا گفته است که کسی که (خداوند) به انسان توشه ی راه می دهد از انسان یک چیز می خواهد و ده برابر به او می دهد که نشان دهنده ی انصاف خداوند یکتا و مهربانی اش نسبت به بندگان است و او از بندگان حمایت و نگهداری می کند که مصداق آن در این بیت آمده است که خدا اگر از بنده اش یک چیز بخواهد ده برابر و حتی بیشتر به او می دهد بیانگر همین است .

(نظامی.خمسه.مخزن الاسرار.مقاله دوم در عدل و نگهداری و انصاف)

یکی مرغ بر کوه بنشست و خاست	چه افزود بر کوه یازو چه کاست
من آن مرغم و مملکت کوه من	چو رفتم جهان را چه اندوه من؟

این سروده نظامی در زمینه عبرت پذیری از احوالات دنیاست که با تمثیلی زیبا آن را بیان می دارد که در نهایت انسان دنیا را ترک می کند و از رفتن انسان از دنیا چیزی به دنیا اضافه و یا کم نخواهد شد و دنیا شایسته دل بستگی و اعتماد کردن نیست همه این ها بیانگر جهان بینی و اعتقاد نظامی به سرای آخرت است و بار دگر اعتقادش را بیان می دارد .

(نظامی.خمسه.خردنامه.وصیت نامه اسکندر)

چرا ترسم از رفتن هشت باغ	که در با کلید ست و ره با چراغ
چرا سر نیارم سوی آن سریر	که جاوید باشم بر او جایگیر
چرا خوش ترانم بدان صیدگاه	که بی دود ابرست و بی گرد راه

در این سروده اعتقاد به معاد را بیان داشته شاعر و همچنین کلید در بهشت را کار نیک و خیر می داند و شاعر این گونه بیان داشته است که رفتن به بهشت با کار نیک است و کسی که نیکوکار است از رفتن به آخرت و رسیدن به بهشت ترسی ندارد که از جایگاه بهشت سخن به میان آوردن یعنی معتقد بودن به زندگی پس از مرگ که شاهد آن در سروده های این حکیم گرانقدر هستیم.

(نظامی.خمسه.خردنامه.سوگندنامه اسکندر به سوی مادر)

آثار معاد در شرفنامه

نه ایام آمده از پی دلخوشی	مگر پی رنج و سختی کشی
خران را کسی در عروسی نخواند	مگر وقت آن کباب و هیـزم

حکیم نظامی در این دو بیت سروده شده خود اندیشه معتقد خود به معاد را با تمثیلی زیبا بیان داشته است و اینطور گفته که ما به دنیا آمديم و در بدو تولد تا آخرین لحظه زندگی هدفمند هستیم و در دنیا با هدف زندگی می کنیم و در زندگی دنیایی سختی هایی را تحمل خواهیم کرد تا اینکه به راحتی در زندگی اخروی برسیم خداوند در قران می فرماید (ان مع العسر يسرا برآستی که پس از سختی آسانی است) ایه ۶ سوره الشرح

همچنین در سوره الدخان در ایه ۳۸ (وما خلقنا السماوت والارض و ما بینهما لاعبین...ما آسمان ها و زمین و آنچه میان این دو است به بازی و بی هدف نیافریدیم هم اشاره دارد که اینها همه نشان دهنده اعتقاد راسخ به عدل الهی و معاد است که زندگی هدفمند (رضای خدا) دذ دنیا برابر است با پاداش نیک بختی در زندگی اخروی . (نظامی. خمسه. شرفنامه. کشتن سرهنگان دارا را)

آثار معاد در خسرو و شیرین

نجات آخرت را چاره گر باش در این منزل ز رفتن با خبر باش
کسی کو سیم وزر ترکیب سازد قیامت را کجا ترکیب سازد

حکیم نظامی در این بیت به انسان در مورد زندگی اخروی به خوبی هشدار داده است و اصل را زندگی اخروی دانسته و زندگی دنیایی را زودگذر می داند و همچنین بیان داشته است که آدمی آماده رفتن به آخرت باشد و در اینجا به احوالات ثروتمندان نیز پرداخته که تمامی فکرشان ذخیره مال و ثروت دنیاست در اینجا گفته که چنین گروهی قادر به پاسخگویی به سوالات قیامت نیستند چون که برای آخرت کاری نکردند و تمام هست و نیست شان ثروت اندوزی در دنیای زودگذر بوده و فکر ی برای آخرت نداشته اند و یا انقدر به دنیا پرداخته که از آخرت غافل بوده اند خداوند در آیه ۳۵ سوره توبه می فرماید:

(یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون... روزی که آن گنجینه ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را بقا آن ها داغ کنند و گوین این است آنچه را می اندوختید بپشید)

که بیانگر اندیشه معتقد راستین نظامی به معاد و آخرت است.

(نظامی.خمس.خسرو و شیرین.اندروز شیرین خسرو را در داد و دانش)

نتیجه گیری

بر اساس این تحقیق نظامی فردی معتقد به روز رستاخیز و معاد بود که ضرورت آن در کتب خمس نظامی نمایان است. گرچه پیرو مکتب اشاعره بود اما نظرات این فرقه در موضوع معاد و قیامت چندان در نظامی تاثیر گذار نبوده است. اشاره فروان به مرگ، معاد، رستاخیز، هشدارات بر ناپایداری عمر و... بیانگر اشتیاق شاعر به مرگ بوده است.

نظامی سعی بر این داشته که بتواند به نحو احسن این مسئله را بیان کند. در نظر نظامی بزرگترین هدف آفرینش، ضرورت جهان دیگر به نام آخرت یا تعبیر دیگر اثبات معاد است.

پیوند زندگی و معاد در شعر نظامی انعکاس زیادی دارد. این دو زندگی فانی و جاویدان از هم جدا نیستند. نظامی توانست این دو زندگی را به شکل شعر بازگو کند و ما را از اهمیت آن با خبر سازد.

از نظر نظامی مرگ پایان زندگی نیست بلکه مسیر ارتباطی میان زندگی فانی و جاویدان که از تکامل حیات آدمی است و روح آدمی را به مرحله بالاتر میکشاند میباشد و پرده از حقایق برداشته میشود.

لحن درد ناک و زبان سوزناک اشعار او بیانگر عجز و ناتوانی انسان در برابر مرگ می باشد و بیان استادانه او در مسئله تشریح مرگ نشان از اهمیت این مساله مهم دینی دارد.

نظامی، به معاد و روز رستاخیز اعتقاد دارد، و برای اینکه آدمی را متوجه دنیایی دیگر کند، چهره ی ناپسند و ناپایدار دنیا را در اشعارش به تصویر میکشد. بارها این نکته را گوشزد میکند که آنچه را در دنیا به عنوان آسایش در اختیار انسان قرار می دهد، سرانجام برای او عذاب خواهد شد.

در اندیشه نظامی، باید غایت و مقصود آدمی در این دنیا، عمل صالح باشد که بارها آن را در مخزن الاسرار تاکید میکند. او دینداری را یک ضرورت برای سفر آخرت می داند.

منابع

- احمدنژاد، کامل (۱۳۷۵). تحلیل آثار نظامی گنجوی، چاپ دوم، تهران: پایا
- اسعدی، مریم السادات (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل خانواده و ارکان آن در قابوس نامه، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال هفتم، شماره ۲۵
- انزایی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰). پرده ی سحر سحری، چاپ سوم، تهران: آیدین
- براتی، محمدرضا (۱۳۸۹). جادوی سخن، مشهد: آهنگ قلم
- ثروت، منصور (۱۳۷۰). گنجینه حکمت، تهران: امیرکبیر
- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۲). اندیشه نظامی، تهران: آیدین
- حسینی، مریم (۱۳۸۵). آرمان شهر زنان، پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره سه
- زمانی، محبوبه (۱۳۸۸). خمسه نظامی به نثر، تهران: اقبال
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۹). تحلیل روابط شخصیت ها در منظومه لیلی و مجنون نظامی، بوستان ادب، شماره سوم